

پیشگفتار

نوشته پیش رو ترجمه دو بخش از دو کتاب هانس کلسن (1881-1973) به نام‌های *General Theory of State and Law* و *Théorie pure du droit* است که از زبان‌های انگلیسی و فرانسوی به فارسی برگردانده شده و با نام *نظریه محض حقوق و دولت* به زیور طبع درآمده است. به این مناسبت لازم است تا ضمن بیان مقدمه‌ای درباره مؤلف و مترجم کتاب که هر دو از بزرگان حوزه‌های تحقیقاتی خویشتن بوده‌اند، توضیحاتی نیز درباره نحوه شکل‌گیری این اثر گران‌قدر ارائه شود.

در ایامی که دانشگاه‌های ایران جهت انقلاب فرهنگی به طور موقت تعطیل شده بودند (1358-1362)، اساتیدی بودند که همچنان فعالیت پژوهشی و آموزشی را با تمام توان تداوم می‌دادند. در این میانه صبحی زود در پارک لاله تهران مرحوم دکتر نورعلی نوری که جهت ورزش صبحگاهی با مرحوم استاد دکتر محمدحسین تمدن جهرمی همقدم بودند، پیشنهاد یک برنامه تحقیق و تدریس حقوق برای چند تن از طلاب پیشرفته در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه واقع در شهرستان قم را دادند. مرحوم استاد دکتر تمدن که علاوه بر دکتری اقتصاد، دکترای حقوق از دانشگاه تهران نیز داشت با این پیشنهاد موافقت کرد و هر هفته جهت این مهم برای حدوداً 4 سال به قم سفر می‌کردند.

ایشان که منابع زیادی را در زمینه حقوق و علوم سیاسی ترجمه کرده بودند، برای تحقیق در باب فلسفه حقوق، بخش حقوق را از صفحه 1 تا 178 و بخش دولت را از صفحه 370 تا 449 دو کتاب مذکور انتخاب نموده، ضمن ترجمه دقیق متن، این دو بخش آن را برای طلاب تدریس می‌نمودند. در باب چرایی انتخاب این دو بخش نظر استاد بر این بود که این دو موضوع را کلسن به طور مبسوط‌تری در این دو کتاب بیان داشته بود و لذا انتخاب شدند. با وجود این به نظر می‌رسد علاوه بر اینکه این کار نوعی بسترسازی برای تهیه متون درسی علوم انسانی بود، به ضرورت فضای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که کشور دنبال طراحی نظام حقوقی جدید و دولت‌سازی بود نیز پاسخی درخور می‌داد. نکته جالبی که اینجانب از طلاب آن دوره به گوش خود شنیدم این بود که استاد تمدن برخلاف سایر اساتید مدعو هیچ‌گاه از حق‌التدریس و مسائل مادی سخنی به میان نمی‌آورد و با تمام وجود به امر تدریس می‌پرداختند.

این ترجمه چاپ نشده هرچند به دوران عضویت استاد در هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران باز می‌گردد اما چنانچه دعوت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تحقق نمی‌یافت شاید خلق هم نمی‌گردید. با این حال تا دورهٔ بازنشستگی نیز به علل گوناگونی این اراده شکل نگرفت تا با انتشار این اثر به ترویج بیشتر علم و دانش مخصوصاً در حوزه فلسفه حقوق و دولت کمکی صورت پذیرد. تا اینکه ایجاد ارتباط فی مابین با جناب حجت‌الاسلام ابراهیمی که از جمله طلاب محقق آن دوره بود، زمینه‌ای فراهم آمد تا موافقت استاد را با انتشار کتاب جلب نماییم.

در آخرین دیداری که اینجانب به مناسبت تشکر از زحمات استاد در دفاع از رساله دکتری خویش در آذرماه 1391 در منزل ایشان داشتم، استاد دستنویس کامل ترجمه را تحویل اینجانب دادند تا تطبیق دهم که متن تایپ شده دقیقاً مبتنی بر آن دستنویس کامل باشد. اینجانب تمام مساعی خویش را به عمل آوردم تا این مأموریت را با دقت تمام به انجام رسانم. بی‌تردید چنانچه نکته‌ای در این مقابله‌خوانی از قلم افتاده باشد ناشی از

قصور اینجانب است که به محض اطلاع در چاپ‌های بعدی ان‌شاءالله برطرف خواهد شد.

پس از این توضیحات که در خصوص نحوه شکل‌گیری اثر بیان شد لازم است تا مخصوصاً برای نسل‌های جدیدی که حضوراً توفیق درک محضر استاد دکتر تمدن را نداشته‌اند نکاتی بیان شود تا ضمن اینکه از مقام علم و عالم عامل تجلیل به عمل می‌آید، ره‌توشه‌ای نیز از این الگوی علم و اخلاق برگیریم. چرا که در شبی تاریک و بیم موج و گردابی چنین حایل به سر برده و به بیان کنفوسیوس از طریق پیران شناخت مسائل جدید به ذهن ما خطور کرده و راهی به سوی سبک‌باری و ساحل‌ها گشوده خواهد شد.

تمدن که بود؟ چه کرد؟ چه می‌خواست؟ و چگونه تمدن شد و به فرزاندگی رسید؟

ان‌شاءالله مباحث پیش رو گوشه‌ای از زوایای این پرسش‌ها را نمایان گرداند.

تمدن در سال 1304 در یک خانواده چهارمی که به دو صفت منطقی بودن و تدین متصف بوده، متولد می‌شود و تحصیل را از مدرسه اسلامیة جهرم با مدیریتی که به خوبی از آن یاد می‌شود، آغاز می‌کند. در سال 1320 دیپلم می‌گیرد و در 1321 وارد دانشگاه می‌شود و تا 1345 تحقیق و تحصیل را در مدرسه اقتصاد لندن ادامه می‌دهد. هوش سرشار و محیط فرهنگی خانواده باعث شروع تحصیل از سال‌های پیش از سال متعارف و تداوم آن تا آغاز مرگ گردیده و در تمام این مسیر سرآمد هم‌اوردهای خود بود. جستجوی آنچه سیرابش می‌کرد باعث می‌شد تا درگیر عناوین نباشد و به دنبال گمشده خویش در مسیر دانش و تجربه در داخل و خارج بگردد.

پس چو حکمت ضاله مؤمن بود آن ز هر که بشنود موقن بود

حقیقت را فراتر از مصلحت قرار می‌داد حتی اگر هزینه‌هایی فوق‌العاده سنگین داشته باشد (در جریان ملی شدن نفت از معدود افرادی بود که از دولت ملی حمایتی تا سر حد اخراج از جریان چپ آن دوران از خود بروز داد).

حق شب قدرست در شب‌ها تا کند جان هر شبی را امتحان

در میان دلق‌پوشان یک فقیر امتحان کن وانک حقست آن بگیر

علم و دانش هدف او بود و نه ابزاری که به واسطه آن به شهرت و ثروت و قدرت برسد، لذا سرمایه عمر و منابع مادی و ثروت خانوادگی خود را نیز در راه کسب علم و نشر دانش صرف نمود تا هم یک معلم عالی‌مقام و هم یک عالم اقتصادی کامل باشد. (ایجاد کتابخانه غنی شخصی که در انتها نیز به دست خود به کتابخانه ملی ایران اهدا نمود و تأمین مالی فرصت‌های حقیقتاً مطالعاتی که زمینه به روز نگهداری علمی استاد را فراهم می‌نمود شواهدی در این باره می‌باشند).

با وجود اظهارنظر پیرامون مسائل خرد و کلان دانشگاه و جامعه، هیچ‌گاه دچار غیبت و نمایی نمی‌شد و معطل این مسائل نمی‌ماند و برنامه پژوهشی و آموزشی خود را به جد دنبال می‌نمود و حتی زمان‌هایی را که برای خیلی‌ها مرده محسوب می‌شوند زنده می‌کرد. الگویی عملی و ناصحی غیر زبانی در تشویق دانشجویان و همکاران به علم‌اندوزی و رعایت اصول اخلاقی و نشر دانش بود. تعداد معدود رساله‌های راهنمایی شده ایشان محل تدقیق اهل دقت است. می‌آموخت و می‌آموزاند و این مسیر را تداوم می‌داد. دکترای اقتصاد، دکترای حقوق، فوق لیسانس علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و روش‌شناسی علوم، روابط بین‌الملل، آمار و ریاضی، مدیریت و بررسی تطبیقی، رشته‌هایی است که در آنها مدارک دانشگاهی داشت.

شنوایی قوی‌تر از گویایی خود را تا آخرین لحظات از دست نداد که فرمود «قل اذن خیر لکم». خود را سانسور نمی‌کرد، چه در مسائل سیاسی، اجتماعی از طریق انحصار رسانه‌ای، و چه در مناسبات اجتماعی با دیگران و چه در مسائل علمی. لذا دیگران را با همه سلايقشان به رسمیت می‌شناخت و خود و رأی خود را تحمیل نمی‌کرد. بنابراین صلح کل بود و گله‌گذار نبود، هرچند به طور غیر مستقیم تذکراتی را در راهنمایی‌های خود مستتر می‌داشت. دقیق بود و نظرات اصلاحی دیگران را می‌پذیرفت و بالاتر اینکه خود را در منظر رأی و نظر دیگران قرار می‌داد. در نتیجه برایش سخت نبود تا در کمال تواضع و تعادل، بگوید که اشتباه کردم یا نمی‌دانم! در همه حال قدردان اساتید خود در مراحل گوناگون بود، چه هنگامی که از روحانی فاضل و با تقوای مدرسه جهرم، سید محمد احمدی نام می‌برد و چه زمانی که از رایینز و فلیس برون، پوپر و لاکاتوش و دیگران.

ضمن به کمال رساندن صفات آزادمنشی و راست‌قامتی در مواجهه با اصحاب قدرت، آزاداندیشی اساتید و دانشجویان را لازمه ارتقای علم اقتصاد در ایران می‌دانست و آن را نه داده شده، بلکه محصول تعامل و تلاش اساتید با مسئولان دانشگاه می‌دانست. همچنین آزادی تحقیق را به لحاظ همه روشی و موضوعی برای اقتصاددانان و دانشجویان این رشته قائل بود. وطن‌دوستی او موجب می‌شد تا علی‌رغم مشکلات، چراغ دانش را در ایران عصر حاضر نیز زنده نگه دارد.

در سفر گر روم بینی یا خُتن از دل تو کی رود حب الوطن

به دنبال عدالت و کشف حقیقت از مراحل ابتدایی تا انتهای زندگی بود، لذا اهل جدل با سخن حق نبود و عدالت را معیار مناسبات اجتماعی و اقتصادی می‌دانست. آرزوی برقراری جامعه عادلانه و بهبود حال طبقات پایین را در سر می‌داشت، گویی بهبود حال طبقات پایین را علامت و معیار اصلی جامعه عادلانه می‌دانست و محرومیت‌زدایی را از وظایف اساسی مفعول دولت‌ها بر می‌شمرد. بنابراین یک پرنسیب‌دار و یک تکامل‌خواه واقعی بود.

او که کلاس‌هایش را با طرح سؤال شروع می‌کرد، تأثیرگذاری استاد را ناشی از تدریس عاشقانه، معلومات وسیع در رشته مورد نظر و رشته‌های هم‌جوار، شروع آموزاندن از چشم یک پرنده، قدرت انتخاب هسته اصلی بحث از حواشی، پرهیز آگاهانه از کاربرد افراطی روش‌های کمی (مثلاً در اقتصاد)، بیان روان و همراه با احساس، استعداد ذاتی، تمرین و اصلاح مداوم از طریق شنیدن انتقادات، می‌دانست. همواره در حال رصد مسائل جاری جامعه و جهان بود، چرا که اقتصاد علمی در خلأ و محیط آزمایشگاهی نبوده و شناختن بسترهای نهادی و قیود گوناگون را زمینه‌ساز بهینه‌یابی بهتر می‌دانست. وگرنه بدون جامع‌الاطرفی علمی اقتصاددان، اقتصاددان تبدیل به مهندس می‌گردد.

بی‌لیاقتی دولت در پیشگیری از مفساد اقتصادی در میان فعالان اقتصادی خصوصی و حتی درون دولت را در چارچوب رویکرد انتخاب عمومی تحلیل می‌کرد و آزمون سلامت مالی و صداقت اخلاقی را در کنار آزمون مهارت برای دولتمردان لازم می‌دانست. از سوی دیگر بیان بوکانان که می‌گفت «دولت اقتصاددانان را فاسد می‌کند» را دستمایه این قرار می‌داد که صرف حضور چند اقتصاددان، کلاف سردرگم سیاست اقتصادی را باز نکرده و این را از بزرگ‌ترین اشتباهات اقتصاددانان می‌دانست که باید چاره‌ای دیگر اندیشید.

در وظیفه خطیر انتخاب اساتید، به معلومات و مطالعات در زمینه‌های کلی و جزئیات اقتصادی، بیان خوب،

استعداد پاسخ‌گویی به سئوالات و راهنمایی پژوهشی دانشجویان و رعایت موازین اخلاقی متذکر می‌شد. وظیفه استاد مشاور را این می‌دانست که اولاً خود درباره مسائل مطرح شده در رساله مطالعه کند و لاقلاً مقالات و منابعی را که در پروپوزال آمده، بخواند تا مشاوره حداقلی را بتواند بدهد. با وجود اینکه میدان کار هر تئوری را به دانشجویان متذکر می‌گردید، اما آخرین توصیه‌اش به دانشجویان و اساتید این بود که دانشجویان اقتصاد در سال‌های محدود تحصیلی بیشتر تئوری بیاموزند و استادان بر مواضع علمی و پرهیز از موضع سیاسی تأکید کنند.

خودش به قسم‌نامه‌ای که نوشته بود عمل هم می‌کرد: «اکنون که تحصیلات خود را به پایان رسانیده‌ام، به خوبی آگاهی دارم که مشاغل آینده‌ام، هر چه باشد، خواه در دوایر دولتی و بخش عمومی به عنوان اقتصاددان و مشاور اقتصادی و برنامه‌ریز، خواه در بخش خصوصی و شرکت‌های بازرگانی و صنعتی در جایگاه‌های کارشناسی و مدیریت، خواه در کار و کسب مستقل، یا به عنوان تحلیل‌گر اقتصادی در مطبوعات و رسانه‌ها و یا در هر مقام دیگری من جمله در بخش تعاونی که باشم، مسئولیت‌های اخلاقی و وجدانی سنگینی به عهده خواهم داشت و اعلام می‌دارم که این مسئولیت‌ها را با قید سوگند می‌پذیرم. بنابراین: سوگند یاد می‌کنم، برای تأمین هدف‌های استقلال اقتصادی ایران و رشد و رفاه اقتصادی کلیه هم‌میهنان در یک جامعه آزاد، تمام تلاش و کوشش خود را به کار برم. سوگند یاد می‌کنم، هر قدر که می‌توانم با بلایای اقتصادی نظیر بیکاری‌های وسیع، تورم طاقت‌فرسا و انواع فساد مالی و رانت‌خواری مبارزه کنم. سوگند یاد می‌کنم، فکر همکاری اقتصادی با دیگر کشورها همراه با حفظ احترام و منافع متقابل را با نهایت جد و جهد ترویج نمایم و برای رفع فقر و تأمین عدالت اقتصادی و اجتماعی در سطح ملی و جهانی تلاش کنم. سوگند یاد می‌کنم، دانسته‌های علمی خود را همیشه به روز نگاه دارم، پیشرفت‌های علم اقتصاد را دنبال کنم و با سلاح دانش، خود را برای مواجهه با چالش‌های جهانی شدن اقتصاد در قرن بیست‌ویکم آماده سازم. و بالاخره سوگند یاد می‌کنم، در همه مسئولیت‌های آینده، دقت، امانت، درستکاری و بیان حقایق را وجهه همت خویش قرار دهم و این خصائل انسانی و اخلاقی را در برابر هیچ وسوسه‌ای رها نسازم».

ان‌شاءالله اساتید و دانشجویان عزیز، جوای این نوع الگوها که کم هم نیستند، باشند که فرمود: و فی ایام دهر کم نفعات.

در پایان لازم می‌دانم از زحمات همسر مکرمه استاد سرکار خانم سیده فتانه میرکمالی، جناب آقای دکتر افتخار جهرمی و پیگیری‌ها و مساعدت‌های آقایان حجج اسلام ابراهیمی و احمد دیانی از پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مسئولان محترم سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مراتب تشکر و قدردانی صمیمانه خود را ابراز دارم. نشر این ترجمه بدون پشتیبانی بی‌دریغ ایشان و ایجاد انگیزه مثبت برای مترجم که به ملاحظات چندانی انگیزه‌ای برای انتشار آن نداشت امکان نمی‌یافت. در پناه رفیق اعلی باشید.

ابوالفضل پاسبانی صومعه

عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی

دی‌ماه هزار و سیصد و نود و چهار خورشیدی